فصلنامه راهبرد توسعه/ سال بیستم و دوم/ شماره ۳ (پیاپی۸۷)/ پاییز ۱٤۰۵/ ۵۸-۳۷
Quarterly Journal of Development Strategy, ۲۰۲٦, Vol. ۲۲, No.۳ (۸۷)

نقش احزاب سیاسی و حوزه علمیه نجف در روابط ایران وعراق

محمد رضائی[۱]
عزیز جوانپور هروی[۲]
مهدی فیروز کوهی[۳]
پرویز احدی[٤]

(تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۱۰/۱۷ ـ تاریخ تصویب ۱۴۰۵/۱/۲۳)
نوع مقاله: **علمی پژوهشی**

چکیده:
روابط ایران و عراق به دلیل تاریخ مشترک بین دو کشور و مسائل مشترک، پیوندهای خانوادگی، اشتراک در مذهب و فرهنگ و دین، پیوندهای متقابل در قبائل و مجاورت در حدود مرزی، متفاوت با کشورهای دیگر می باشد که در دوره های مختلف با تغییرات شرایط سیاسی در دو کشور نیز دستخوش تغییرات می گردد. پس از سقوط نظام بعث در سال ۲۰۰۳ و ایجاد فرصت از دست رفته برای شیعیان عراق، آنان را بر آن داشت تا با تکیه بر توانمندی های

[۱]- دانشجوی دکتری علوم سیاسی ، واحد تبریز ، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز ، ایران.
[۲] -گروه فلسفه و کلام اسلامی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز ، ایران(نویسنده مسئول): azizjavanpour@iau.ir
[۳]- استادیار، گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه امام حسین (ع)، تهران، ایران.
[۴] - گروه روابط بین‌الملل و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بناب، ایران.

کشورمان ایران به فکر تحکیم روابط با ایران بیفتند. عراق کشوری است که همواره در طول تاریخ از تنوع قومی خود رنج برده و همواره با تسلط یک قوم یا مذهب چه عرب، کرد، سنی و یا شیعه مواجه بوده است. این گروه‌ها و احزاب نقش‌های کلیدی در سیاست خارجی این کشور به‌ویژه در رابطه با ایران ایفا کرده و می‌کنند. حضور شیعیان و اکراد در ساخت قدرت بغداد، حذف رژیم بعثی، تغییر رویکرد «عربی- سنی» به «عربی- شیعی- کردی» در فضای سیاسی عراق؛ فرصت‌های به‌وجود آمده در این کشور را در جهت منافع ملی جمهوری اسلامی ایران قرار می‌دهد. از طرف دیگر در دوران معاصر، حوزه علمیه نجف به عنوان حوزه مرکزی اهل تشیع مطرح بود و نقش بسیار پررنگی در تکوین جامعه شیعی عراق ایفا می‌کرد لذا میتوانست نقش پررنگی در جهت دهی اهداف احزاب عراق و شیعیان ایران ایفا نماید و از این طریق بر روابط دو کشور تاثیرگذار باشد. هدف پژوهش حاضر بر این است که به بررسی چگونگی تاثیر احزاب سیاسی و حوزه علمیه نجف بر روابط دو کشور ایران و عراق بپردازد.فرض تحقیق بر این است که حوزه‌ی علمیه عراق با جهت دهی تفکر علما بعنوان پیشوای مردم ، در مسائل سیاسی و روابط دیپلماتیک چه قبل و چه بعد از انقلاب تأثیر زیادی داشته است حتی در زمان جنگ بر اسرای عراقی نیز تاثیر زیادی داشته است. یافته تحقیق براین است که امروزه هر دو کشوردارای دیپلماتیک مناسبی می باشند، علت اصلی این امر را در تقویت نقش احزاب در عراق در دوران بعد از بعث می توان یافت و در حال دوران طلایی خود را در جهت مبارزه با تروریسم می گذارنند.

واژگان کلیدی : احزاب سیاسی – حوزه نفوذ- انقلاب اسلامی – حوزه علمیه نجف.

مقدمه

در جهان کنونی و شروع جنگ نرم در کل دنیا ، سازوکارهای جنگی به مرور زمان جای خود را به نفوذهای سیاسی و اقتصادی می‌دهند و در این زمینه کشورهایی موفق و پیروز هستند که دارای قدرت زیادی در عرصه روابط سیاسی برون مرزی می‌باشند. این روابط (روابط سیاسی وحوزه های نفوذ) را می‌توان در عرصه‌های جهانی و منطقه‌ای طبقه بندی کرد.

عراق به عنوان یکی از خاستگاه‌های اصلی مذهب تشیع در جهان اسلام شناخته می‌شود. این

مسئله پس از شهادت حضرت علی (ع) ایجاد و تا همین امروز نیز ادامه دارد. در تمامی این سالها علمای شیعه عراق رویدادهای متفاوتی را تجربه کرده‌اند. از جنگهای بعد از واقعه عاشورا گرفته تا درگیری با امپراتوری عثمانی پیش از روی کار آمدن حزب بعث عراق. با این حال، تجربه حکومت حزب بعث در عراق برای علمای شیعه از فارسی زبان گرفته تا عربی زبان، بسیار خاص و متفاوت بود. با وجود اینکه در دوران معاصر، حوزه علمیه نجف به عنوان حوزه مرکزی اهل تشیع مطرح بود و نقش بسیار پررنگی در تکوین جامعه شیعی عراق ایفا می‌کرد ولی سیاستها و برنامه‌های این حزب در قبال علمای شیعه به گونه‌ای بود که هیچ کدام از این عوامل مانع از آن نشد که ضربات سختی بر پیکره تشیع و علمای بزرگ آن از سوی حزب وارد نشود.

در جبهه جریانات سنی در عراق به نوعی شاهد مشارکت ناپایدار و اندک گروه ها و احزاب سیاسی بودیم این جریان به سبب تجربه تاریخی نه چندان رضایت بخش در قالب حزب بعث و قبضه بلامنازع قدرت و عدم ایجاد شرایطی برای حضور سایر گروه ها (شیعه و کرد در ساختار سیاسی مورد استقبال مردم عراق قرار نگرفت در مقابل دو جریان شیعه و کرد به سبب محرومیت از قدرت در زمان حزب بعث و همچنین تشکیلات قوی و جمعیت زیاد نقش مهم و اساسی را در روند تحولات عراق ایفا کردند. بنابراین پس از چندین دهه در این زمان بود که شیعیان فرصت مطالبه حقوق و جایگاه خود را در عرصه سیاسی عراق به دست آوردند. آنان در قالب احزاب و جریاناتی همچون جریان آیت الله سیستانی مجلس اعلای عراق جنبش صدر حزب الدعوه و غیره بیشترین کرسی های پارلمان را به دست آورده و در تشکیل دولت و تصویب قانون اساسی نقش مؤثر و سازنده ایفا کردند (فولر ، ۱۳۸۴، ص۲۱۹) از این رو مشارکت فعال شیعیان در تحولات عراق واکنش های متفاوتی را در پی داشت به طوری که نیروهای موازنه خواه در خاورمیانه، با تحریک اقوام کرد از یکسو و اعراب سنی از سوی دیگر و در راستای تأمین منافع خود در جهت تجزیه عراق گام برداشتند. از همین رو حوادث و تحولات چند سال اخیر عراق نیز مؤیدی بر این مدعاست که در قالب عملیات تروریستی و ظهور گروه ها و جریانات افراطی همچون داعش سعی در ناامن کردن و بی ثباتی این منطقه از جهان دارند. صرف نظر از حوزه نفوذ جمهوری اسلامی ایران در عرصه سیاست جهانی که خارج از بحث و چارچوب این مقاله می‌باشد در عرصه منطقه‌ای ، مروری داریم بر روابط دو کشور ایران وعراق و تاثیرپذیری این روابط از احزاب سیاسی مستقر در عراق و نیز حوزه علمیه نجف اشرف که نقش آنها بسیار کلیدی و غیر

قابل انکار می‌باشد. فرض تحقیق این است که کشور عراق چون از تنوع قومیتی برخوردار است بنابران وجود احزاب گوناگون نشان از این تنوع قومیتی دارد بنابراین وجود چنین احزابی بر مناسبات سیاسی این کشور نیز تاثیرگذار است و هم چنین حوزه علمیه نجف نیز از دیرباز به لحاظ اینکه جایگاه علما و صاحب نظران دینی بوده است و وجود علما گرانقدر دینی باعث شده است که مورد توجه قرار گیرد اما بعد از انقلاب انقلاب اسلامی ایران نیز وجود تروریست‌ها در این کشور باعث افزایش و تحکیم مناسبات کشور عراق و ایران شده است. لذا در پژوهش حاضر قصد بررسی تاثیر احزاب و تاثیر گذاری حوزه علمیه نجف و آرمان‌های انقلاب اسلامی در سیاست بین دو کشور و مناسبت‌های سیاسی دو کشور را داریم.

۱- مشکلات عراق به عنوان کشوری با تنوع قومی

عراق کشوری است که همواره در طول تاریخ از تنوع قومی خود رنج برده و همواره با تسلط یک قوم یا مذهب چه عرب، کرد، سنی و یا شیعه مواجه بوده است. این گروه‌ها و احزاب نقش‌های کلیدی در سیاست خارجی این کشور به‌ویژه در رابطه با ایران ایفا کرده و می‌کنند. حضور شیعیان و اکراد در ساخت قدرت بغداد، حذف رژیم بعثی، تغییر رویکرد «عربی- سنی» به «عربی- شیعی- کردی» در فضای سیاسی عراق؛ فرصت‌های به‌وجود آمده در این کشور را در جهت منافع ملی جمهوری اسلامی ایران قرار می‌دهد. سؤال این مقاله آن است که گروه‌های فرهنگی و سیاسی حاضر در صحنه سیاسی امروز عراق که بیشترین تأثیر را بر دولت و سیاست داخلی و خارجی این کشور دارند، کدامند؟ و از این جریان‌ها کدامیک بیشترین تأثیر را بر روابط ایران و عراق دارند و در جهت همسوسازی سیاست خارجی و سیاست‌های منطقه‌ای عراق مؤثرند. فرض نگارندگان بر این باور است که گروه‌های شیعی و کردی اکثریتی دارند که بیشترین تأثیر را در توسعه یا کاهش رابطه میان عراق و ایران ایفا می‌کنند. ائتلاف این دو گروه با وجود داعش و دخالت دیگر همسایگان عرب سنی این کشور می‌تواند قوی‌ترین عامل همسوسازی سیاست‌های خارجی و منطقه‌ای عراق باشد و کنارگذاشتن هر یک از این احزاب عواقبی جبران‌ناپذیر به‌دنبال خواهد داشت (محمد سهرابی،۱۳۹۵)

۲- نقش احزاب با توجه تقسیم بندی آنها در روابط ایران و عراق

۲-۱- نقش احزاب دسته بندی شده بر اساس قوم گرایی

۲-۱-۱- احزاب کرد عراق

احزاب کرد عراق عبارتند از: ۱. حزب دموکرات کردستان عراق؛ ۲. اتحادیه میهنی کردستان عراق، ۳ . حزب سوسیالیست کردستان ۴. حزب کمونیست کردستان عراق، ۵ .حزب گوران، ۶. اتحاد اسلامی کردستان.

کردها در دوره صدام مشارکت چندانی در ساختار قدرت نداشتند و سیاست همگون‌سازی سعی در تضعیف عناصر قومی و فرهنگی کردی در عراق داشت. اما در دوره جدید دولت – ملت‌سازی دموکراتیک و متکثر به کردها فرصت‌های بسیاری در جهت مشارکت در قدرت و همچنین افزایش آزادی عمل و خودمختاری داده است. این موضوع کُردها را به جریانی تأثیرگذار در مرحله جدید تبدیل کرده است. کُردها در دوره عراق پس از صدام در قالب دو حزب اصلی کردی یعنی اتحادیه میهنی به رهبری جلال طالبانی و حزب دموکرات به رهبری مسعود بارزانی سازماندهی شده‌اند و در مجلس نمایندگان عراق بعد از ائتلاف شیعیان دومین فراکسیون عمده را تشکیل می‌دهند. کردها پست ریاست‌جمهوری، یکی از معاونت‌های نخست‌وزیری و وزارتخانه‌هایی چون وزارت خارجه عراق را تحت کنترل خود دارند .بر این اساس گروه‌های کُرد بر خلاف دوره گذشته در دولت مرکزی عراق و اداره امور این کشور و دولت مرکزی نقش عمده‌ای را ایفا می‌کنند. گروه‌های کُرد هدف عمده دیگری نیز دنبال کرده‌اند که کسب حداکثر آزادی عمل و خودمختاری در شمال عراق است. کُردها در راستای این هدف با انسجام، هماهنگی و کارایی بالایی عمل‌کرده‌اند. (خبرگزاری جمهوری اسلامی،خرداد۱۳۹۹). تصویب فدرالیسم کردی با سطح بالایی از خودمختاری و استقلال در قالب قانون اساسی و عملی ساختن بخش عمده‌ای از آن، اصلی‌ترین دستاورد گروه‌های کرد عراق محسوب می‌شود. اکنون کردها در شمال عراق دارای پارلمان، دولت و نیروهای امنیتی کردی و منطقه فدرال هستند.

طیف‌هایی از سیاسیون کرد معتقدند که مرزهای منطقه فدرال باید با مرزهای قومی منطبق باشد و بر این اساس خواستار پیوستن برخی از نواحی دیگر عراق به منطقه فدرال کردی هستند. اما ورای این خواسته، استقلال از قلمرو اصلی عراق و تبدیل اقلیم کردستان به کشوری واحد از مسائل مرتبط با کردها بوده که اوج آن برگزاری همه‌پرسی استقلال در مهرماه ۹۶ بود.

کُردها در انتخابات سال ۲۰۱۸ میلادی عراق هم موفق شدند در پارلمان کرسی‌هایی قابل‌توجه را

از آن خود کنند. در این انتخابات حزب دموکرات کردستان عراق با هدایت بارزانی‌ها ۲۵ کرسی و حزب اتحادیه میهنی کردستان عراق وابسته به خانواده جلال طالبانی ۱۸ کرسی، کسب کردند. جنبش تغییر ۷ کرسی و نسل نو ۵ کرسی و احزاب هم پیمانی برای دمکراسی و عدالت و احزاب اسلام گرا نیز هر یک ۳ کرسی به دست آوردند. (خبرگزاری جمهوری اسلامی،خرداد۱۳۹۹)

۲-۱-۲- احزاب عرب عراق

احزاب عرب عراق عبارتند از: ۱. جماعه العلماء، ۲.حزب الدعوه الاسلامیه، ۳. سازمان عمل اسلامی، ۴. مجلس اعلای انقلاب اسلامی، ۵. حزب بعث عراق، ۶. حزب التحریر، ۷. شورای گفت و گوی ملی عراق.

از بین احزاب عرب حزب الدعوه فعال ترین انهاست؛ این حزب در سال ۱۹۵۷ توسط سید مرتضی عسگری و شاگردان و پیروان محمدباقر صدر تأسیس شد .این حزب ابتدا در قامت یک جنبش مذهبی اصلاح‌طلب پدیدار شد که به ترویج ارزش‌های اسلامی و مقابله با سکولاریسم می‌پرداخت. در دهه ۱۹۷۰ با افزایش نفوذ این حزب در میان جوانان و شخصیت‌های مذهبی و سرکوب آن از سوی حکومت حزب بعث، الدعوه به جریانی انقلابی تبدیل شد که به مقاومت مسلحانه در برابر حکومت می‌پرداخت. دشمنی حزب الدعوه و حکومت صدام حسین پس از قتل محمدباقر صدر رهبر معنوی این جنبش در سال ۱۹۸۰ به اوج خود رسید. این حزب پس از براندازی حکومت صدام در سال ۲۰۰۳ توسط ائتلاف ضد ترور به یکی از مهم‌ترین احزاب سیاسی عراق تبدیل شد، به طوری که حیدر العبادی و نوری المالکی و ابراهیم الجعفری سه نخست‌وزیر قبلی کشور همگی از اعضای این حزب بوده‌اند.

حزب الدعوه از پشتیبانان مخالفان اسلام‌گرای حکومت شاهنشاهی ایران بود و پس از وقوع انقلاب در این کشور مورد حمایت نظام جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت و در جریان جنگ ایران و عراق به انجام عملیات‌های مسلحانه علیه حکومت صدام اقدام می‌کرد. حمایت ایران از این حزب و روابط نزدیک آنان با یکدیگر تاکنون نیز ادامه یافته‌است هرچند در برخی موارد اختلافات ایدئولوژیکی عمیقی با یکدیگر دارند.

پس از قیام ۱۹۲۰ شیعیان عراق ضد استعمار انگلیس و نافرجام ماندن این اقدام سیاسی، تفکر

عدم دخالت در امور سیاسی در بیشتر محافل شیعی تقویت یافت و راه برای فعالیت جریان‌های ملی‌گرا و مارکسیستی هموارتر شد. اما بهره‌مندی شیعیان عراق از تجربه جنبش اخوان المسلمین مصر و ایجاد فضای باز سیاسی پس از کودتای ۱۳۳۷ش / ۱۹۵۸م به رهبری عبدالکریم قاسم و انقراض پادشاهی در عراق زمینه را برای فعالیت‌های حزبی و شکل‌گیری تشکل‌های اسلامی در این کشور فراهم کرد .

هر چند پیش از آن یعنی در اواخر ۱۳۳۵ش / ۱۹۵۶م اندیشه تشکیل حزب شیعی شکل گرفته بود و سید مهدی حکیم، فرزند آیت‌الله سید محسن حکیم، با جمعی از همفکران خود مانند سید محمد حسین فضل الله، عبدالصاحب دُخَیل، شیخ سلیمان یحفوفی، طالب رفاعی و محمد صادق قاموسی چگونگی تشکیل حزب شیعی را بررسی کردند. سید مهدی حکیم با جلب نظر سید محمد باقر صدر، نشست‌های متعددی برای فراهم کردن مقدمات تأسیس حزب برگزار کرد.

منابع مختلف تاریخ تأسیس حزب الدعوة الاسلامیة را بین سال‌های ۱۳۳۵ش / ۱۹۵۶ تا ۱۳۳۸ش / ۱۹۵۹، در نشستی در کربلا یا نجف دانسته‌اند، اما حزب تاریخ رسمی تأسیس خود را ۲۰ مهر ۱۳۳۶ / ۱۲ اکتبر ۱۹۵۷ اعلام کرده‌است. در این نشست سید محمد باقر صدر، سید محمد باقر حکیم، محمدصادق قاموسی و ۴ تن دیگر شرکت داشتند . در تابستان ۱۳۳۷ش/۱۹۵۸ به توصیه سید محمدباقر صدر، سید مرتضی عسگری (متوفی ۱۳۸۶ش) از بغداد نیز به حزب الدعوة پیوست. نشست بعدی مؤسسان حزب الدعوة چند ماه پس از کودتای ۲۳ تیر ۱۳۳۷ / ۱۴ ژوئیه ۱۹۵۸، در کربلا برگزار شد، که در آن سید محمدباقر صدر، سید مرتضی عسکری، سید محمدمهدی حکیم و محمدصادق قاموسی به شورای رهبری برگزیده شدند.

بر اساس اساسنامه حزب الدعوة که بعدها در سال ۱۳۶۰ش/۱۹۸۱ تدوین شد، دعوت مردم به اسلام برای اعضا واجب شرعی است و ایجاد جامعه‌ای اسلامی با همه ویژگی‌های آن و در همه سطوح اجتماعی و جایگزین کردن قوانین مبتنی بر شریعت اسلام به جای قوانین وضعی بشری از اهم اهداف حزب است. بنا بر اساسنامه، این اهداف با ایجاد تغییر در آحاد مسلمانان و اصلاح تدریجی فرد و جامعه از لحاظ روحی و اخلاقی، بازگشت به آموزه‌های اصیل اسلامی و زدودن افکار و اندیشه‌های غربی، ایجاد دولت اسلامی به عنوان مقدمه‌ای برای برپایی دولت فراگیر اسلامی، آزادسازی سرزمین‌های اسلامی از سیطره استعمار و ضمیمه کردن آن‌ها به دولت اسلامی و دعوت مردم به اسلام در همه نقاط جهان تحقق می‌یابد.

حزب الدعوة در اساسنامه‌اش، خط مشی خود را انقلابی اعلام کرد و تحقق اهداف حزب را در چهار مرحله دانست:

۱- مرحله تغییر: در این مرحله اعضای حزب با تغییر در اندیشه و سلوک خود تعالی می‌یابند تا بتوانند به هدایت و ارتقای سطح آگاهی مردم بپردازند.

۲- مرحله سیاسی: حزب با دو شیوه سیاسی و مسلحانه با رژیم بعثی حاکم به مقابله بر می‌خیزد.

۳- مرحله انقلابی: در این مرحله، هدف اصلی براندازی رژیم بعثی حاکم از طریق مبارزه مسلحانه و تشکیل حکومت اسلامی است.

۴- مرحله حاکمیت: در این مرحله حزب باید ارکان نظام اسلامی را تشکیل دهد و احکام شریعت اسلامی را به اجرا درآورد و بر اجرای آن نظارت کند. در این مرحله شکل حکومت و ساختار آن بر اساس شریعت اسلامی و تأمین منافع مسلمانان است. همچنین در این مرحله، قانون اساسی مُلهَم از شریعت اسلامی تدوین می‌شود(خبرگزاری جمهوری اسلامی،خرداد۱۳۹۹).

۲-۱-۳- احزاب ترکمان عراق

گروه ها و احزاب ترکمان عراق عبارتند از: ۱. اتحاد اسلامی ترکمانهای عراق؛ ۲ حزب ملی ترکمان عراق، ۳.حزب اخوان ترکمان عراق، ۴.جنبش دموکراتیک ترکمان، ۵.حزب خلق ترکمان عراق.

جبهه ترکمن‌ها، ترکمن ایلی، تجمع ترکمن‌های عراق، تجمع قومیت ترکمن عراق، حزب عدالت ترکمن‌های عراق، حزب القرار التركماني، جنبش قومیت ترکمن و جنبش وفاداری به ترکمن‌های عراق، حزب اراده ترکمن، احزاب اخوان ترکمن، جنبش دموکراتیک ترکمن، اتحادیه اسلامی ترکمن‌های عراق، حزب خلق ترکمن مهمترین حزب ترکمن عراقی هستند که پس از سرنگونی رژیم بعث در عراق فعال هستند. جبهه ترکمن‌ها در مجلس عراق دارای ۵ کرسی است و در دولت اقلیم کردستان عراق ۱ وزارتخانه را در اختیار دارند و ترکمان‌ها با اینکه اقلیتی در دل اقلیت هستند. اما از قدرت چانه‌زنی بسیاری برخوردارند. ترکمان‌های عراقی در قالب شیعه و سنی رویکردهای متفاوتی در حوزه سیاسی دارند. این رویکردها عموما در میان جامعه ترکمانی شکل گرفته است که برخی از آنان همسو با دولت اقلیم کردستان و برخی دیگر همسو با دولت مرکزی عراق است. (خبرگزاری جمهوری اسلامی،خرداد۱۳۹۹)

۲-۲- نقش احزاب دسته بندی شده بر اساس مدافع، مخالف و میانه رو بودن با مواضع ایران

۲-۲-۱- همراه با مواضع ایران

این دسته از احزاب عبارتند از: ۱. جماعه العلماء، ۲.حزب الدعوه الاسلامیه، ۳.سازمان عمل اسلامی، ۴.مجلس اعلای انقلاب اسلامی.

در مهر – آبان ۱۳۵۷ / اکتبر ۱۹۷۸ حزب الدعوۀ طی بیانیه‌ای حمایت کامل خود را از انقلاب اسلامی ایران اعلام کرد. محمد مهدی آصفی به پاریس رفت و ضمن دیدار با امام خمینی پشتیبانی حزب را از ایشان به اطلاع وی رساند.

با به قدرت رسیدن صدام حسین در عراق در ۲۵ تیر ۱۳۵۸ / ۱۶ ژوئیه ۱۹۷۹، روند سرکوب حزب شدت گرفت. واکنش حزب در پیش گرفتن مبارزه مسلحانه بود. رژیم صدام اعضای حزب را دستگیر و صدها تن از آنان را پس از محاکمه‌های فرمایشی اعدام کرد ،در چنین اوضاعی، حزب الدعوۀ مرکز فعالیت خود را به ایران منتقل کرد. محمد مهدی آصفی در تابستان ۱۳۵۸ش / ۱۹۷۹ به ایران آمد. او و سایر رهبران حزب تصمیم گرفتند ساختار تشکیلاتی حزب را بازسازی کنند و رهبری حزب را از فرد محوری که در محمد هادی سبیتی متجلی می‌شد، خارج کنند. بنابراین، شورای مرکزی حزب با عضویت محمد هادی سبیتی، علی کورانی، محمد مهدی آصفی، سید مرتضی عسکری و سید کاظم حائری (فقیه الدعوۀ) شکل گرفت. سبیتی و همفکرانش این توافق را ضد خود دانسته، با آن مخالفت کردند که بی‌نتیجه بود. پس از مذاکراتی میان رهبران حزب الدعوۀ و مسئولان ایرانی، اردوگاه نظامی در نزدیکی اهواز به نام اردوگاه شهید صدر به این حزب اختصاص یافت. این اردوگاه مهم‌ترین مرکز آموزشی حزب الدعوۀ در ایران بود که در آن حدود ۷۰۰۰ نیروی نظامی آموزش می‌دیدند. این نیروها پس از آغازِ جنگ (عراق با ایران) ضد نیروهای عراقی جنگیدید. در ۱۳۵۹ش / ۱۹۸۰ محمدمهدی آصفی سخنگوی رسمی حزب شد(خبرگزاری جمهوری اسلامی،خرداد۱۳۹۹).

۲-۲-۲- مخالف با مواضع ایران

این احزاب عبارتند از: ۱.حزب بعث عراق، ۲.حزب کمونیست کردستان عراق، ۳.اتحاد اسلامی کردستان.

۲-۲-۳- میانه رو با مواضع ایران

این دسته از احزاب عبارتند از: ۱.حزب دموکرات کردستان عراق، ۲.اتحادیه میهنی کردستان

عراق، ۳.حزب سوسیالیست کردستان، حزب گوران، ۵.جریان موسوم به صدرهای عراق، ۶.حزب فضیلت اسلامی عراق.

اتحادیه میهنی کردستان که به نام «فهرست العراقیه» شناخته میشود ریاست آن بر عهده آیاد علاوی، رهبر جنبش وفاق ملی و نخست وزیر پیشین عراق است. طیف علاوی برای تغییر روند و پروسه جاری آمده بود و نگرانی نیروهای اسلامی و ملی از همین طیف است که مورد حمایت نیروهای بعثی و گروه هایی از اهل سنت است و کشورهای مختلف اعم از عربی و اسلامی و برخی از کشورهای فرامنطقه مانند آمریکا و انگلیس تمایلات آشکاری نسبت به آنها دارند. این ائتلاف تلاش دارد تا با همراه کردن همفکران خود فراکسیون بزرگتری را تشکیل دهد؛ زیرا بنابر قانون اساسی عراق نظام پارلمانی دارد و فراکسیون دارای اهمیت نخست وزیر را معرفی می کند (رضایی، ۱۳۸۹، ص۹) التلاف دموکراتیک کردستان؛ پس از کنار رفتن صدام از قدرت ائتلاف دموکراتیک کردستان معروف به لیست کردستان عراق برای فعالیت در عرصه سیاسی این کشور توان تازه ای پیدا کرد. این ائتلاف از حزب دموکراتیک کردستان اتحادیه میهنی کردستان اتحادیه اسلامی کردستان حزب کمونیست کردستان حزب سوسیال دموکراتیک کردستان، حزب میهن پرستان آشوری و چند حزب و تشکل دیگر در کردستان عراق تشکیل شده است. با اینکه به نظر می رسد دیدگاه های اعضای این ائتلاف به یکدیگر نزدیک است؛ اما شکاف و بحران نیز در این ائتلاف دیده میشود. (شبکه خبر، ۱۳۹۲/۱/۲۷).

۲-۳- نقش احزاب دسته بندی شده بر اساس مذهب

۲-۳-۱-حزب شیعی عراق

احزاب شیعی عراق عبارتند از: ۱.جماعه العلما، ۲.حزب الدعوه الاسلامیه، ۳.سازمان عمل اسلامی، ۴.مجلس اعلای انقلاب اسلامی، ۵.حزب فضیلت اسلامی عراق، ۶.جریان موسوم به صدرهای عراق.

با توجه به اینکه دو کشور ایران و عراق از نظر فرهنگی اشتراکات فراوانی دارند، احزاب عراق به ویژه احزاب شیعه و جریانات فرهنگی شیعی در این کشور با ایران و مذهب شیعه در ایران پیوندی تنگاتنگ دارند. با توجه به مطالب گفته شده، معیار ما در تقسیم بندی احزاب و گروه ها نخست مذهب و قوم گرایی است. سپس دوری یا نزدیکی با مواضع ایران و در آخر میزان فعال

بودن و تأثیر گذاری این گروه ها و احزاب در سیاست داخلی و خارجی عراق است.
در سال ۱۹۵۸ گروهی از روحانیون مانند شیخ مرتضی آل یاسین (دایی شهید محمد باقر صدر)، سید اسماعیل صدر سید محمد باقر صدر شیخ حسین همدانی، سید محمد جمال هاشمی شیخ محمد طاهر آل شیخ راضی شیخ محمد تقی جواهری و سید محمد تقی بحر العلوم : حزب جماعه العلماء را با هدف پل زدن بین اسلام و افشار گوناگون است عراق پایه گذاری کردند. (برنا بلداجی، ۱۳۸۳، ص۱۵۳). این تشکل پاسخی به فشارهای فزاینده رژیم بعثی تفکرات رو به رشد کمونیستی و گرایش ها و احساسات ناسیونالیسم افراطی بود که موجی از گرایش های اسلامی را به رهبری شیخ مرتضی آل یاسین در شیعیان عراق به وجود آورد. این سازمان فعالیت های خود را از مسائل فرهنگی آغاز کرد و نشریه الاضواء را منتشر ساخت. معرفی و رشد شخصیت و توانایی های علمی و کاریزماتیک سید محمد باقر صدر از همین زمان و با توجه به تألیفاتی که از خود در زمینه های گوناگون برجای گذاشت، شروع شد. (ان. ویلی، ۱۳۶۳، ص۵۶). این گروه به شکل رسمی از سال ۱۹۷۹ حمایت خود را از تغییر روش به تاکتیک های خشونت آمیز اعلام کرد. اما چه آن زمان در عراق و چه زمانی که از سال ۱۳۵۹ تعدادی از رهبران آن فعالیتهای خود را در ایران تهران و قم آغاز کردند، رویکرد اساسی شان معطوف به توده های مردم و اساساً سیاسی - فرهنگی بود. در واقع فعالیت های این تشکل بود که بعدها زمینه سقوط حکومت عبدالکریم قاسم را فراهم کرد؛ اما به دلیل نداشتن انسجام داخلی این گروه و شرایط استبدادی آن زمان به ویژه پس از پایان دوره برادران عارف فعالیتهای تشکیلاتی آنها به تدریج به خاموشی گراییدند. تا پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران دوباره فعالیت های خود را ابتدا در عراق آغاز و سپس در ایران ادامه دادند (برنا بلداجی، ۱۳۸۳، ص۱۵۳).
طیف های مختلف شیعی به تدریج به دو طیف همگرا با ایران و در واقع «نظریه ولایت فقیه با قرائتی که ایران از آن ارائه داد و طیف به اصطلاح مستقل تر، با گرایش های حزب الدعوه تقسیم شدند که سید محمد باقر حکیم سید محمود هاشمی، سید کاظم حائری محمد مهدی آصفی، سید عبدالعزیز حکیم و دیگران طیف همگرا با ایران بودند. سید حسن صدر شیخ محمدرضا ساعدی، سید محمد حسین بحر العلوم، شیخ محمد باقر ناصری طیف مستقل با گرایشهای حزب الدعوه و رویکردهای دموکرات تر بودند. به علت بروز اختلاف در بین جماعه العلماء از ابتدای دهه ۱۳۶۰، از انسجام آن به تدریج کاسته شد. به گونه ای که از اواسط دهه ۱۳۷۰ تاکنون تنها

اسمی از آن برجای مانده است.(مصاحبه با ابویاسین عزالدین سلیم، ۱۳۸۰/۳/۵). حزب الدعوه مهم ترین گروه معارض شیعی است که به عنوان نهادی ترین حزب جنبش اسلامی عراق شناخته میشود (برنا بلداجی، ۱۳۸۳، ص۱۵۷) سید محمد باقر صدر به تدریج رهبری معنوی حزب را به عهده گرفت (الخلیل، ۱۳۷۰، ص۳۷). نکته مهم در مورد دیدگاه ها و مبانی نظری حزب الدعوه این است که این حزب برمبنای محتوای اساس نامه و روند شکل گیری تجارت مبارزاتی رهبران آن معتقد به نوعی رهبری و در واقع ولایت شورایی است و اعتقاد دارند که رهبر معنوی حزب یا جنبش باید مانند سایر اعضای شورای مرکزی حزب قطع نظر از کارکردها و جایگاه معنوی اش به عنوان عضو شورای مرکزی عمل کند و نه فراتر از آن از این رو باید گفت که همین دیدگاه سبب شد تا از همان ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی با ایران تعارض پیدا کنند. به گونه ای که در نیمه اول دهه ۱۳۷۰ این چالش به اوج خود رسید که نتیجه آن موارد زیر بود:

۱. خروج تعدادی از اعضای ارشد حزب از جمله دکتر ابراهیم جعفری، (نخستین رئیس دوره ای شورای انتقالی عراق شیخ محمد باقر ناصری و سید حسین صدر (عضو شورای انتقالی از ایران و مهاجرت آنها به انگلستان ۲.جرح و تعدیل در اعضای شورای مرکزی و محدود کردن عرصه فعالیت اعضایی که همگرایی بیشتری با ایران داشتند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و عملی شدن حکومت اسلامی مبتنی بر نظریه ولایت مطلقه فقیه و ورود اعضای حزب الدعوه به داخل ایران، تقاضاهایی از سوی تعداد محدودی از کادر رهبری حزب مبنی بر تجدید نظر پیرامون اساسنامه آن، از راه سازوکارهای درون تشکیلاتی حزب مطرح شد و سپس این رویکرد به انتقادهای گسترده تری علیه شورای مرکزی تبدیل شد. زمانی که از نظر منتقدان این انتقادات به نتایج رضایت بخشی نرسید و در پی برگزاری نشستهای مستمر بین دو طیف متمایز در شورای مرکزی در اواخر سال ۱۳۵۹ انشعابی در این حزب با عنوان «الدعوه الاسلامیه به رهبری افرادی مانند برادران شیخ علی و شیخ حسن کورانی، ابویاسین و ابوصفا دغلاوی به وجود آمد. علت این انشعاب را باید در نوع برداشتی که جناح اصلی «حزب الدعوه از مرجعیت و مقوله ولایت فقیه داشت جستجو کرد (ترجمان سیاسی ۱۳۷۷/۷/۲۷)

ابن جناح انشعابی ترجمانی از همگرایی با جمهوری اسلامی ایران در زمینه نظریه ولایت فقیه بود و به همین دلیل همگرایی بیشتری با مجلس اعلام داشت، در حالی که حزب الدعوه» به عنوان

بانفوذترین حزب شیعی عراق به رهبری شورایی معتقد است. بدین سان دو گروه اکثریت به رهبری شیخ محمد مهدی آصفی و اقلیت به رهبری شیخ علی کورانی شکل گرفت.

سازمان عمل اسلامی ؛ در اوایل دهه ۱۹۸۰ شورای فرماندهی عراق به رهبری شخص صدام تصمیمات خصمانه ای بر علیه گروه های معارض اتخاذ نمود. نقض اساسی ترین حقوق طبیعی هتک حرمت دستگیری شکنجه و زندان به شکلی بود که روز به روز دایره فشار بر گروه های مخالف تنگ تر می شد. این سازمان نیز مانند گروه های دیگر تصمیم به مهاجرت به خارج از عراق گرفت. سازمان عمل اسلامی از زاویه رویکردهای نظری و عملی در ابتدای حضور در داخل ایران از اندیشه های اشخاصی همچون دکتر شریعتی و آیت الله منتظری تأثیر پذیرفتند (برنا بلداجی،۱۳۸۳ ، ص ۱۵۷).

در زمینه رویکردهای سازمان عمل اسلامی میتوان چنین بیان نمود که بیشتر اعضا و طرفداران آن در عراق در شهر کربلا و حومه آن قرار دارند، تعمیق مرجعیت سید محمد تقی مدرسی و انجام فعالیتهای فرهنگی از جمله توزیع کتب متعدد سبد محمد تقی و سید هادی مدرسی و مدیریت حوزه های علمیه این سازمان در سوریه (زینبیه) و ایران (قم تهران و اصفهان از عمده ترین فعالیتهای این گروه است. در دهه اخیر، رویکرد مسلحانه این گروه به تدریج از دستور کار خارج شده است. در واقع فعالیت پیرامون مسئله مرجعیت سید محمد تقی شیرازی و فعالیتهای فرهنگی به عنوان اساسی ترین رکن استراتژی سازمان جایگزین آن شده است.

مجلس اعلای انقلاب اسلامی؛ در زمان تشکیل مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق وجود الترناتیو اسلامی منسجم در صحنه سیاسی عراق ضروری بود در آن زمان وضعیت منطقه ای و شرایط داخلی ایران و عراق به گونه ای بود که ناظران سیاسی این مجلس را همانند یک دولت خود خوانده میشناختند زیرا پیشروی نیروهای ایرانی در جبهه های جنگ تحمیلی این تصور را در بین معارضان اسلامی عراق ایجاد کرده بود که این روند در نهایت منجر به سقوط حکومت مرکزی عراق خواهد شد. این مجلس که در واقع چارچوبی فراگیر برای کلیه نیروهای معارض اسلامی عراق شناخته می شد. در ابتدا در برگیرنده کلیه احزاب و اشخاص مستقل معارض اسلامی مستقر در ایران بود. طیف گسترده نیروها، حتی تنی چند از سنی ها و ملی گرایان معارض را در دوره اول شامل می شد. عضویت اشخاص در این مجلس نه بر اساس تعلق گروهی بلکه مقبولیت، سابقه مبارزاتی و توانمندی اشخاص در فرایندی طبیعی و غیر دیوانسالارانه در

دوره اول بود (برنا بلداجی، ۱۳۸۳، ص۱۶۳)

۲-۳-۲-احزاب سنی عراق

این احزاب عبارتند از: ۱.حزب بعث عراق، ۲.حزب دموکرات کردستان عراق، ۳. اتحادیه میهنی کردستان عراق، ۴.حزب سوسیالیست کردستان، ۵.حزب کمونیست کردستان عراق، ۶.حزب گوران اتحاد اسلامی کردستان، ۸. اتحاد اسلامی ترکمانهای عراق، ۹.حزب ملی ترکمان عراق، ۱۰.حزب اخوان ترکمان عراق، ۱۱.جنبش دموکراتیک ترکمان، ۱۲.حزب خلق ترکمان عراق.

حزب بعث همواره سیاست سرکوب در داخل و اتحاد با اعراب در خارج که مبتنی بر ناسیونالیسم عرب بود را برای سرکوب شدید مردم و معارضه به کار می برد. به ویژه در سالهای حکومت نظامی و غیر دموکراتیک صدام عراق به صورت مطلق به وسیله حزب بعث و شخص صدام اداره میشد و حقوق ،مذهبی ،قومی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ملت عراق نادیده گرفته میشد (الزبیدی، ۱۳۹۱، ص۷۸) حزب بعث عراق پس از فروپاشی رژیم صدام یک فرماندهی موقت تشکیل داد که رهبر نمادین آن صدام بود تا اینکه وی در اواخر سال ۲۰۰۶ اعدام شد. پس از وی اعضاء عزت ابراهیم الدوری را به رهبری موقت برگزیدند. در ۲۲ ژانویه ۲۰۰۷ حزب بعث بیانیه ای منتشر کرد و در آن ۱۵۰ نفر از اعضای کادر حزب را از حزب اخراج کرد (الزبیدی، ۱۳۹۱، ص۸۰). اتحادیه میهنی کردستان عراق ازدیگر احزاب سنی عراق هستند؛ اتحادیه میهنی کردستان عراق پس از فروپاشی حکومت بعث عراق و حمله آمریکا به این کشور توانسته در مناسبات سیاسی شرکت کند و نقش زیادی در مناسبات سیاسی این کشور در کنار دیگر احزاب کردی عراق به ویژه حزب دموکرات عراق ایفا کند. از نشانه های عمیق نقش مهم این گروه در مناسبات سیاسی امروز عراق می توان به انتخاب شدن جلال طالبانی به ریاست جمهوری عراق اشاره کرد.

۲-۳-۳-احزاب آشوری عراق

احزاب آشوری عراق عبارتند از: ۱.حزب میهنی آشوری، ۲.مجلس ملی

از میان ۳۲۹ کرسی مجلس عراق، ۵ کرسی به آشوری‌ها تعلق دارد. در حال حاضر در مجلس عراق، جنبش دموکراتیک آشوریان دارای ۲ کرسی، مجلس ملی کلدانی سریانی آشوری ۲ کرسی، و حزب کمونیست عراق دارای ۱ کرسی هستند(خبرگزاری جمهوری

اسلامی،خرداد۱۳۹۹).

۳- نقش حوزه نجف در روابط ایران و عراق

۳-۱- تاریخچه حوزه علمیه نجف اشرف

حوزه علمیه نجف را می توان به واقع مهم ترین حوزه علمیه شیعه در عصر غیبت کبری به شمار آورد. برخی این حوزه را در امتداد حوزه علمیه کوفه می‌دانند که پس از زمان امام صادق (علیه‌السلام) در نجف تداوم یافته است. بعضی دیگر معتقد هستند حوزه فقهی نجف از زمان شیخ مفید پایه‌ریزی شد. با این حال محقق بزرگ مرحوم حاج آقابزرگ طهرانی، مولف کتاب ارزشمند «الذریعه الی تصانیف شیعه» در مقدمه کتاب تفسیر تبیان تصنیف شیخ طوسی، عقیده دارد که قبل از هجرت شیخ طوسی به نجف اشرف، این مکان به خاطر وجود مر قد مطهر امام علی (علیه‌السلام)، محل علما و جایگاه دانش و معرفت بوده است. ولی حوزه علمیه و نظم و برنامه مرتب درسی و کوشش‌های حوزه ای از زمان هجرت شیخ طوسی به نجف شکل گرفته است.

شواهد و اسناد تاریخی گواهی می‌دهند که نخستین پایگاه علمی شیعه در نجف به دست مرحوم شیخ طوسی نهاده شده است. با رحلت شیخ صدوق که زعیم بزرگ شیعیان بود، مقام پیشوایی شیعیان به شیخ مفید رسید و در حقیقت مرکز دین و رهبری شیعیان و کانون حرکت‌های شیعی از ایران به عراق منتقل شد(مرکز اسناد انقلاب اسلامی،اسفند ۹۹).

۳-۲- اولین فتوای جهادیه حوزه نجف

در جریان جنگ جهانی اول، انگلستان تلاش داشت عراق را که تحت سلطه پادشاهی عثمانی بود مستعمره خود قرار دهد. با ورود نیروهای بریتانیایی اولین خیزش ضداستعماری منطقه علیه قوای استعمارگر با فتوای مراجع ساکن نجف و کربلا آغاز شد. آبان ماه سال ۱۲۹۳ فتوای معروف به «جهادیه» از سوی علما صادر شد که تا زمان قیام ۱۹۲۰ عراق دامنه آن ادامه یافت. نجف اشرف بیش از صدسال پیش مرکزیت فقاهت مرجعیت شیعه و حوزه علمیه این شهر مهم‌ترین مرکز علمی شیعیان بود که در ماجرای نهضت مشروطه در ایران نیز مراجع مقیم نجف نقش موثری ایفا کردند. در این قیام نیز نجف اشرف از ابتدای تهاجم انگلیس مرکز فرماندهی و مقر رهبری قیام بود.

مراجع آن زمان مقیم نجف آیت‌الله سید محمد حبوبی، آیت‌الله باقر حیدری، آیت‌الله سید محسن

حکیم و شیخ الشریعه اصفهانی بطور هماهنگ وارد قیام شدند. نیروهای تحت امر آیت‌الله حبوبی که ۹۰ هزار نفر بودند در شهر ناصریه استقرار یافتند و در جبهه «الشعبیه» شروع به مبارزه کردند.
در جریان جنگ جهانی اول، انگلستان تلاش داشت عراق را که تحت سلطه پادشاهی عثمانی بود مستعمره خود قرار دهد. با ورود نیروهای بریتانیایی اولین خیزش ضداستعماری منطقه علیه قوای استعمارگر با فتوای مراجع ساکن نجف و کربلا آغاز شد.
در منطقه «قرنه» نیز جبهه‌ای علیه انگلیس گشایش یافت که آیت‌الله شیخ الشریعه اصفهانی و تعداد دیگری از علما در آنجا رهبری نبرد را برعهده گرفتند. سید محمد یزدی نیز به فرمان پدرش آیت‌الله سید محمد کاظم یزدی که مرجعیت عام شیعه را برعهده داشت و پرچمدار این مبارزات بود، در جبهه نبرد حضور یافت.
آیت‌الله محسن حکیم (مرجع اعلای شیعیان در دهه ۴۰ شمسی) آن دوران در جبهه جنگ حضور داشت و امینِ استادش آیت‌الله حَبّوبی بود. در کاظمین مراجعی مانند آل‌حیدر، شیخ محمدمهدی خالصی که قبرش در حرم رضوی(ع) است و گفته می‌شود در تبعید به مشهد مسموم شد وارد جهاد شدند. حتی بسیاری از علما اموالشان را فروختند و در راه امر جهاد از آن استفاده کردند. با شدت گرفتن خشونت و وحشی‌گری نیروهای انگلیسی، تشکل‌های سرّی برای انتقام گرفتن پدید آمدند که یکی از مهم‌ترین آنها «النهضة السلامیه» به رهبری آیت‌الله سید محمدعلی بحرالعلوم، شیخ محمدجواد جزایری و میرزا کاظم خلیلی بود که مبارزه با قوای انگلیسی را در دستور کار خود قرار دادند. این دو شخصیت، جمعیت را با هدف مبارزه مسلحانه با انگلیس تجهیز کردند و با حمله به سرای حکومتی فرماندار انگلیس را به‌قتل رساندند که منجر به محاصره نجف به مدت ۴۶ روز شد.(خبرگزاری تسنیم، آبان۹۸).

۳-۲- تعامل یا تقابل حوزه نجف با حکومت ایران و عراق

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران نه تنها حکومت پهلوی که با روحانیت و حوزه علمیه اختلاف و درگیری داشت، از بین رفت، بلکه روحانیان و در رأس آنها امام خمینی حکومتی اسلامی تشکیل دادند که در آن رهبری دینی و سیاسی در یک شخص جمع شده بود. پس حوزه و حکومت کاملاً با هم تلاقی یافتند و سرنوشت آنها به هم گره خورد. نکته دیگر اینکه همه این افراد شیعه و ایرانی بودند و علی رغم اختلاف نظرهای جزئی در دفاع از حکومت اسلامی مذهب تشیع و

کشور اسلامی ایران متفق القول بودند. پس زمانی که صدام حسین خواست حکومت اسلامی برآمده از انقلاب اسلامی، مذهب شیعه متفاوت از مذهب سنی و ایرانیان به قول خودش مجوس را مورد حمله قرار دهد و جنگ عرب و عجم و «قادسیه صدام راه بیندازد. حوزه و حکومت در ایران به صورت متحد در برابر آن ایستادند. اما در عراق وضعیت کاملاً متفاوت بود. در آنجا حوزه و حکومت نه تنها تفاوتهای عمیق فکری و فرهنگی باهم داشتند، بلکه حکومت هر روز با برجسته کردن این تفاوتها سعی در سرکوب و حذف طرف مقابل داشت و همین موضوع باعث شکاف بیشتر این دو نهاد از همدیگر میشد. بدین معنا که در عراق علی رغم اکثریت شیعه که از علما و مراجع حوزه نجف اطاعت و تقلید میکردند اقلیت سنی در راس حکومت بودند و تمام تلاش خودشان را برای حکومت بر اکثریت و جلوگیری از قیام و قدرت گیری آنها به کار می بردند. به ویژه اینکه از زمان حکومت صفوی و عثمانی یک علقه مذهبی و فرهنگی مشترک بین شیعیان عثمانی و بعد عراقی با ایرانیان وجود داشت و با پیروزی انقلاب اسلامی ایران این احساس مشترک تقویت شده و شیعیان عراق انگیزه و امید فراوانی برای رهایی از دست حکومت سنی با کمک شیعیان ایران به دست آورده بودند (برنا بلداجی،۱۳۸۳ ، ص۱۵۱) همین موضوع باعث نگرانی شدید رژیم بعث عراق و افزایش فشارهایش بر علیه شیعیان عراق شد. (توال ،۱۳۷۹، ص۹۳ – ۹۲) آنها به اعدام، حبس شکنجه و تبعید شیعیان به خصوص رهبران مذهبی آنها تعطیلی و از بین بردن مدارس، مصادره موقوفات و ممانعت از اجرای مراسم مذهبی شیعیان پرداختند (حائری، ۱۳۸۲، ص۷۵) و همین موضوع باعث شدیدتر شدن اختلافات و درگیریها بین حوزه و حکومت شد.

موضوع مهم دیگری که باعث اختلاف بین حوزه نجف و حکومت عراق شد، سیاست های ناسیونالیستی و عرب گرایی رژیم بعث بود. نکته ای که ارتباط خاصی با شیعیان عراق و مراجع حوزه نجف داشت این بود که ملیت گرایی عربی مدتها خود را از طریق دشمنانش تعریف می کرد و ایرانیان را دشمنان تاریخی عربها و تهدیدی دائمی برای تمدن عربی می نمایاند برابر انگاری ایران با تشیع و حضور دراز مدت خانواده های ایرانی در عراق شیعیان را در کانون سوءظن قرار می داد». (فولر و فرانکه ،۱۳۸۳، ص۱۷۲ – ۱۷۱) حتی گفته میشد که بعثی ها تمام شیعیان را ایرانی می دانستند. بنابراین عرب و سنی در برابر فارس و شیعه قرار گرفت و کتاب جاء دور المجوس و صدها کتاب دیگر درباره شعوبی گری بر ضد فارس و شیعه در عراق در همین

دوره انتشار یافت (جعفریان، ۱۳۸۵، ص۲۰۰) . رژیم بعث برای تضعیف موقعیت شیعیان و ایرانیان در صدد بود با ایجاد اختلاف بین مراجع ایرانی و عرب حوزه تجف و حمایت از علمای عرب موجبات تضعیف علمای ایرانی و به تبع آن، تضعیف کل حوزه را فراهم آورد. زیرا در آن دوره بیش از نیمی از مراجع و روحانیان حوزه نجف را ایرانیان تشکیل می دادند. (دادفر، ۱۳۸۹، ص۱۰۱ و ۱۰۷؛ الشمرانی، ۲۰۰۳، ص۱۲۲) بعثی ها دوست داشتند مراجع نجف اولاً ایرانی نباشند و ثانیاً به دربار تمایل داشته باشند. آنها در ابتدا توانستند سید محمد صدر را به سوی خود بکشند اما ایشان خیلی زود خود را کنار کشید و حتی علیه بعثی ها فعالیت کرد. همین نقشه را درباره آیت الله سید محمد باقر صدر هم اجرا کردند تا از او یک مرجع عربی در مقابل مراجع ایرانی بسازند و کم کم ایشان را بهانه مخالفت با مراجع ایرانی کنند اما نه تنها توفیقی نیافتند بلکه آیت الله صدر به بزرگترین مخالفشان تبدیل شد (حائری، ۱۳۸۲ ،ص۷۲) و بیشترین حمایت را از امام خمینی و انقلاب ایران انجام داد و گفت: در خمینی ذوب شوید همچنان که او در اسلام ذوب شده است». (قلی زاده، ۱۳۷۲، ص ۳۹؛ موسوی و ادیب، ،۱۳۸۳، ص۷۱)

سیاست دیگری که بعثیان در پیش گرفتند اخراج علما و شیعیان ایرانی از عراق بود. از این طریق آنها می خواستند حوزه نجف را که بخش زیادی از روحانیان آن ایرانی بودند از بین ببرند. این اخراج در حجمی بسیار گسترده در زمستان ۱۳۵۰ آغاز شد و تا اواخر جنگ ایران و عراق ادامه داشت. طبق برخی برآوردها حزب بعث از سال ۱۹۷۰ م ، ۱۳۵۰ تا ۱۹۸۱ م ، ۱۳۶۰ ش ۱۵۰،۰۰۰ نفر را اخراج کرد. (فولر و فرانکه، ۱۳۸۳، ص۱۷۷) بخشی از این اخراجی ها شامل طلاب و روحانیانی میشد که در نجف زندگی می کردند. این کار که با خشونت تمام انجام میشد به رویارویی شماری از مراجع و علما در ایران و نجف با دولت عراق منجر شد و شکاف بین حوزه و حکومت را به بالاترین سطح رساند. (محتشمی، ،۱۳۷۸، ج۲، ص۱۵۴ - ۱۵۰) طوری که همین علما و مردم اخراج شده از عراق بخشی از مخالفان صدام را در جنگ هشت ساله تشکیل دادند و با تمام قوا برای ساقط کردن او جنگیدند.

بنابراین در جنگ ایران و عراق برخلاف وحدت و هماهنگی حوزه و حکومت در ایران اختلاف و شکاف عمیقی بین رژیم بعث و روحانیت حوزه نجف وجود داشت و هر کدام از آنها برای از بین بردن دیگری تلاش می کردند.

نتیجه گیری:

کشور عراق به عنوان کشوری با تنوع قومی و با موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیک منحصر به فرد در خاورمیانه ذخایر نفتی و سایر ذخایر، در طول تاریخ همواره در برنامه غارت و چپاول اکثر کشورهای سلطه گر قرار داشته است و از آنجایی که بیشترین همسایگی مرزی را با کشور ایران دارد و نیز از نظر متجانس بودن دینی (دین هردوکشور اسلام است) به عنوان یکی از کشورهای هدف صدور انقلاب اسلامی برای حکومت جمهوری اسلامی ایران بوده است. احزاب سیاسی زیادی نیز در کشور عراق فعالیت داشته اند که در تقسیم بندی کلی به احزاب شیعی، احزاب سنی، احزاب کرد، احزاب آشوری و احزاب ترکمن و ... تقسیم بندی می شوند. در این بین احزاب شیعی و حزب الدعوه الاسلامیه از انقلاب اسلامی و آرمان های آن حمایت نموده اند. اعراب سنی در عراق تا هنگام سقوط صدام کارنامه درخشانی از خود نشان نداده و همواره بر ملی گرایی عربی قوم گرایی و دخالت در امور داخلی همسایگان اصرار داشته اند. با سقوط صدام و با توجه به تاریخچه ارتباطات قوی بین ایران و شیعیان و کردها به نظر می رسد که ایران میتواند با حفظ تعادل در ائتلاف استراتژیک میان این دو گروه و ایجاد تعادل نسبی با اعراب سنی عراق بیشترین سطح نفوذ را در عراق آینده به دست آورد.

کردها و شیعیان مکملی مناسب برای یکدیگرند و میتوانند به خوبی یکدیگر را در برابر تهدیدات احتمالی پوشش دهند. ایران از ناحیه حکومت تمرکزگرا با محوریت اعراب سنی، صدمات جدی دیده است. بنابراین فرض مطلوب آن است که کردها و شیعیان در قدرت باقی بمانند زیرا هر قدر تکثرگرایی در عراق بیشتر باشد، میل به رادیکالیسم در لباس نظامی کمتر میشود. گروه های کردی در عراق بسیار مهم به نظر می رسند، اما توجه لازم نداشتن به کردها سبب پناه بردن آنها به اسرائیل و آمریکا می شود. به همین جهت ایران همواره تلاش کرده است تا تعادل میان کردها و شیعیان را حفظ و به تقویت هر چه بیشتر این ائتلاف توجه کند. شایان توجه اینکه نباید در این میان از توجه به اعراب سنی عراق غافل ماند زیرا آنها سخت به دنبال قدرت از دست رفته هستند و چنانچه تحت هر عنوانی خود را در تنگنا ببینند سر به شورش زده و موجب ناامنی محیط پیرامون ایران خواهند شد.

حوزه علمیه نجف اشرف نیز با سابقه طولانی خود در عراق و با گذراندن فراز ونشیب های طولانی در بحران های سیاسی و مدیریتی، توانسته است جایگاه خود را ثابت نموده وبه عنوان

پایگاه شیعه برای جمهوری اسلامی ایران تبدیل گردد و در صدور انقلاب اسلامی به کشور عراق نقش محوری وکلیدی ایفا کند. مراجع و روحانیت حوزه علمیه نجف که از سالها پیش با سیاستهای تبعیض آمیز مستبدانه نژاد پرستانه و کمونیستی رژیم مخالفت کرده بودند، اکنون در مواجهه با موضوع تجاوز رژیم بعث به یک کشور مسلمان همسایه نه تنها از چنین تجاوزی حمایت نکردند بلکه بر مخالفت خود با رژیم افزودند و برای ساقط کردن آن از هیچ تلاشی فروگذار نکردند. البته در این میان عده ای از روحانیان به رهبری آیت الله خوبی به دلیل اعتقاد به عدم دخالت در مسائل سیاسی و برای حفظ حوزه از نابودی کامل با به دلیل فشار بیش از اندازه حکومت و شرایط زمانه سکوت اختیار کردند و در موضوع جنگ حکمی در حمایت از رژیم بعث یا مخالفت صریح با آن بیان نکردند. البته آیت الله خویی علی رغم سکوت ظاهری مقلدانش را به صورت غیر مستقیم از همراهی با رژیم بعث در تجاوز به کشور مسلمان همسایه و جنگ با حکومت مسلمان ایران برحذر داشت.

منابع و ماخذ

۱. ان ویلی، جویس، ۱۳۹۳، **نهضت اسلامی شیعیان عراق** ،تهران: موسسه اطلاعات .

۲. برنا بلداجی، س. (۱۳۸۳). شیعیان عراق: بررسی وضعیت جامعه‌شناختی. **فصلنامه شیعه‌شناسی**، ۲(۷). ۱۸۷.۱۴۰

۳. توال، ف. (۱۳۷۹). **ژئوپولیتیک شیعه** (ع. قاسم آقا، مترجم). تهران: نشر آمن؛ مؤسسه مطالعات و تحقیقات اندیشه‌سازان نور

۴. جعفریان، ر. (۱۳۸۲). مرجعیت سیاسی شیعه **.*زمانه***، (۷–۸)، ۱۴–۲۲

۵. جعفریان، رسول، ۱۳۸۵ تشیع در عراق و مناسبات با ایران **فصلنامه مطالعات تاریخی**، ۴(۱۵): ۲۱۹-۱۸۰.

۶. حائری، سید علی اکبر، ۱۳۸۲، حوزه نجف تلاش ها و مظلومیتها **پژوهش و حوزه**، سال چهارم شماره ۱۶.

۷. الخلیل، سمیر، ۱۳۷۰، **جمهوری وحشت**، ترجمه احمد تدین، تهران، نشر طرح نو.

۸. دادفر، سجاد، ۱۳۸۹، تأملی بر یکی از چالشهای حوزه علمیه نجف در قرن بیستم،**پژوهشگاه علوم انسانی ومطالعات فرهنگی**، سال هفتم، شماره ۲۸.

۹. رضایی، حسن، ۱۳۸۹، عراق جدید شیعیان و انتخابات دوم پارلمانی، **پژوهش های منطقه ای**، شماره سوم.۱۹-۷.

۱۰. الزبیدی، کاظم و حسین لطیف، نعم محمد العبادی، عاطف لاضی السعدون، (۱۳۹۱)، **عراق در جستجوی آینده** ترجمه علی شمس تهران موسسه مطالعات اندیشه سازان نور.

۱۱. سهرابی، محمد؛ اشرفی، امراله؛ کریمی، مرتضی (۱۳۹۵). کالبد شناسی احزاب و گروه های سیاسی عراق و تاثیر آنها بر روابط ایران و عراق، **فصلنامه مطالعات روابط بین الملل**، ۹(۳۴): ۱۶۷-۱۹۶

۱۲. الشمرانی، محمد علی، (۲۰۰۳)، **صراع الاضداد**، لندن، دار الحکومة.

۱۳. فولر، گراهام ای و رند رحیم فرانکه (۱۳۸۳). شیعیان عراق، مترجم خدیجه تبریزی، **فصلنامه شیعه شناسی** ۲(۶):۱۵۵-۱۹۱

۱۴. قلی زاده، مصطفی، (۱۳۷۲) ، **شهید صدر بر بلندای اندیشه و جهاد**، تهران ،سازمان تبلیغات اسلامی.

۱۵. محتشمی، علی اکبر، (۱۳۷۸). **خاطرات سیاسی** (ج. ۲). تهران: خانه اندیشه جوان.

۱۶. موسوی، حسین و عادل ادیب، ۱۳۸۳، **حزب الدعوۀ اسلامی عراق پیشینه تاریخی و اندیشه سیاسی)**، تهران، مرکز پژوهشهای علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
۱۷. ترجمان سیاسی، شماره ۱۵۰، دوشنبه ۱۳۷۷/۷/۲۷.
۱۸. خبرگزاری تسنیم، آبان۹۸
۱۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی،خرداد۱۳۹۹
۲۰. مرکز اسناد انقلاب اسلامی،اسفند ۹۹
۲۱. مصاحبه با ابویاسین عزالدین سلیم، ۱۳۸۰/۳/۵.